

طراحی سازوکار ارتقای تاب آوری اجتماعی ایران در مواجهه با تهدیدهای ترکیبی منطقه‌ای

رضا احمدی، حمید هوشنگی*

گروه جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

چکیده	مشخصات مقاله
در محیط امنیتی پیچیده غرب آسیا، ارتقای تاب آوری اجتماعی ایران به ضرورتی راهبردی بدل شده است. در این مقاله، با عبور از رویکردهای سنتی، به طراحی سازوکار ارتقای تاب آوری اجتماعی پرداخته‌ایم؛ سازوکاری که با آن بتوان این تکانه‌های خارجی را به فرصتی برای تقویت «مصونیت نظام‌مند» و نیل به «زیست‌بوم مقاوم» تبدیل کرد. سؤال اصلی این است: سازوکار کارآمد برای تحقق این هدف، مبتنی بر کدام ابعاد و مؤلفه‌های بنیادین است و چگونه می‌توان آن را عملیاتی ساخت؟ برای پاسخ به این پرسش، از روش‌شناسی ترکیبی (دلفی و تحلیل اهمیت-عملکرد) استفاده شد. نخست، با روش دلفی و با مشارکت خبرگان، ابعاد و مؤلفه‌های این سازوکار شناسایی و اعتبارسنجی شد؛ سپس، با تحلیل اهمیت-عملکرد (IPA)، وضعیت موجود این مؤلفه‌ها در ماتریس راهبردی ارزیابی شد. یافته‌ها نشان می‌دهد جامعه ایران با اتکال به «دارایی‌های راهبردی بومی»، به‌ویژه در «خوداتکایی در فناوری‌های راهبردی» و «فرهنگ ایثار و مسئولیت‌پذیری»، به کارآمدی زیادی دست یافته است. هم‌زمان، تحلیل اهمیت-عملکرد مشخص می‌سازد که مؤلفه‌هایی با بیشترین اهمیت، یعنی «تحقق عدالت اجتماعی» و «ظرفیت مشارکت‌دهی مردم‌محور»، اولویت‌های اصلی برای سرمایه‌گذاری و ارتقا هستند. بر این اساس، نوآوری اصلی این مقاله، طرح مدلی تشخیصی-راهبردی است و استدلال شده است که مسیر ارتقای تاب آوری، بیش از تخصیص منابع جدید، در گرو فعال‌سازی ظرفیت‌های مردمی و توجه به «حکمرانی شبکه‌ای و مشارکتی» است. این سازوکار، با محوریت مردم، ضمن تعمیق انسجام اجتماعی در برابر تهدیدها، زمینه‌ساز تحقق زیست‌بوم مقاوم می‌شود.	مقاله پژوهشی موضوع: سیاست حوزه موضوعی: ایران، غرب آسیا تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۶ تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۸/۱۴ واژگان کلیدی: تاب آوری اجتماعی، تهدیدهای ترکیبی، حکمرانی شبکه‌ای، مشارکت مردم‌محور.

ارجاع به این مقاله: احمدی ر، هوشنگی ح. (۱۴۰۵). «طراحی سازوکار ارتقای تاب آوری اجتماعی ایران در مواجهه با تهدیدهای ترکیبی منطقه‌ای». مطالعات کشورها. ۴(۳): ۵۹۹-۶۳۱. doi: <https://doi.org/10.22059/jcountst.2025.403377.1374>



وبگاه: <https://jcountst.ut.ac.ir> | رایانامه: jcountst@ut.ac.ir
شاپای الکترونیکی: ۹۱۹۳-۲۹۸۰ | ناشر: دانشگاه تهران

* نویسنده مسئول: h.houshanghi@isu.ac.ir، <https://orcid.org/0000-0002-3621->

2086

۱. مقدمه و طرح مسئله

در چشم‌انداز ژئوپلیتیکی معاصر غرب آسیا، جمهوری اسلامی ایران با الگوی تهدیدی پیچیده و مستمر مواجه است که ماهیت آن فراتر از تقابل‌های نظامی سنتی است. به‌طور مثال، رژیم صهیونیستی با بهره‌گیری از رهنامه (دکترین) جنگ ترکیبی^۱ و عملیات در منطقه خاکستری^۲، تهاجم‌هایی چندلایه را سازمان‌دهی می‌کند که در آن، ابزارهای نظامی، اطلاعاتی (خرابکاری و ترور)، اقتصادی (جنگ تحریمی)، به‌ویژه شناختی (جنگ روانی و رسانه‌ای)، به‌طور هم‌افزا به کار گرفته می‌شود (کولیوند و همکاران، ۱۴۰۲). نقطه اوج این روند، تهاجم غیرقانونی رژیم صهیونیستی با همراهی ایالات متحده در ۲۳ خرداد ۱۴۰۴ش بود؛ رخدادی که علاوه بر زیرساخت‌های نظامی و پدافندی، به‌طور مشخص سرمایه‌های انسانی راهبردی (نخبگان علمی، نظامی و سیاسی) و مراکز حیاتی هسته‌ای کشور را هدف قرار داد. این الگوی تهاجم، که با پاسخ متقابل ایران همراه بود، به‌وضوح نشان داد که هدف اصلی دشمن، نه صرفاً تحمیل خسارت مادی، بلکه ایجاد شوک راهبردی، فلج‌سازی مراکز تصمیم‌گیری و در نهایت، گسستن پیوند میان حاکمیت و ملت از طریق تضعیف روحیه ملی است. این جنگ ترکیبی اثبات کرد که هدف غایی، نه صرفاً تحمیل آسیب‌های فیزیکی، بلکه فرسایش انسجام ملی، تضعیف سرمایه اجتماعی و در نهایت، فروپاشی نظام اجتماعی از درون است. از این‌رو، خط مقدم دفاع باید در عرصه جامعه و در ظرفیت‌های تاب‌آوری آن تعریف شود.

در چنین بستری، پارادایم‌های سنتی امنیت ملی که بیشتر بر تقویت بنیه دفاعی-نظامی استوار است (قاضی‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۸۴-۱۸۶)، همچنین سیاست‌های اجتماعی جبرانی، که بر توزیع متمرکز و یارلنه‌ای منابع تمرکز دارد، برای مقابله با این الگوی تهدید، کارآمدی محدودی از خود نشان داد. این رویکردها به دلیل ماهیت بیشتر دولتی، متمرکز و واکنشی، قادر به ایجاد ظرفیت انطباقی، یادگیری و خودسازماندهی در سطح جامعه نیست (Hannah et al., 2020) و در برابر تهاجم‌هایی که بنیان‌های اعتماد عمومی و هم‌بستگی اجتماعی را نشانه می‌گیرد پادزهری مؤثر نیست. این ناکارآمدی، شکافی راهبردی را آشکار می‌سازد: مواجهه با تهدیدی جامعه‌محور، با ابزارهایی دولت‌محور.

1. hybrid warfare

2. Gray-Zone Conflict

این خلأ، ضرورت گذار به پارادایمی نوین را برجسته می‌سازد که مفهوم تاب‌آوری اجتماعی در کانون آن قرار دارد. تاب‌آوری اجتماعی در این چارچوب، نه به معنای مقاومت منفعلانه یا بازگشت به وضعیت پیشین پس از بحران، بلکه به مثابه «ظرفیت پویای سیستمی اجتماعی در جذب اختلال‌ها، سازماندهی مجدد و یادگیری برای حفظ کارکردهای اساسی و دستیابی به سازگاری تحول‌آفرین» تعریف می‌شود (Moya & Goenechea, 2022). این ظرفیت، در مؤلفه‌هایی چون انسجام اجتماعی، سرمایه اعتماد، شبکه‌های مشارکتی، و حکمرانی کارآمد ریشه دارد (Sobhaninia, 2024). با وجود اهمیت روزافزون این مفهوم در متون جهانی، در پژوهش‌های داخلی کمتر به طراحی مدل عملیاتی و سازوکارمند برای مهندسی و ارتقای آن در بستر خاص منازعات امنیتی-اجتماعی ایران پرداخته شده است. شکاف پژوهشی اصلی در این حوزه، فقدان نقشه راهی است که بتوان سیاستگذاری را از سطح توصیفی به سطح تجویزی و اجرایی ارتقا داد.

شکاف پژوهشی اصلی در این حوزه، دقیقاً در همین نقطه قرار دارد. درحالی‌که در متون بین‌المللی به تفصیل به مبانی نظری تاب‌آوری پرداخته شده و در پژوهش‌های داخلی نیز اهمیت آن در کشور توصیف شده است، به لحاظ تجربی، خلأ مشخصی در گذار از توصیف نظری به طراحی چارچوب عملیاتی و اعتبارسنجی شده وجود دارد. اغلب مطالعات در سطح انتزاعی باقی مانده و ابزاری ملموس برای سیاستگذاران در تشخیص وضعیت موجود و اولویت‌بندی اقدام‌ها وجود ندارد. بنابراین، دانش جدید و بدیع این پژوهش، نه در معرفی خود مفهوم تاب‌آوری، بلکه در طرح مدلی بومی‌شده و ابزاری تشخیصی (مبتنی بر روش ترکیبی دلفی-IPA)^۱ است که این شکاف میان نظر و عمل را پر کند.

بر این اساس، در این پژوهش در صدد پاسخگویی به این سؤال اصلی بوده‌ایم: سازوکار کارآمد در ارتقای تاب‌آوری اجتماعی ایران در برابر تهاجم‌های ترکیبی منطقه‌ای، چه ابعاد و مؤلفه‌های بنیادینی دارد و چگونه می‌توان آن را طراحی و عملیاتی کرد؟

در ادامه این مقاله، نخست چارچوب مفهومی پژوهش و مبانی نظری تاب‌آوری اجتماعی تبیین خواهد شد. سپس، روش‌شناسی ترکیبی تحقیق تشریح می‌شود. در بخش بعد، یافته‌های حاصل از پنل دلفی و تحلیل اهمیت-عملکرد مطرح شده است. در نهایت، درباره سازوکار پیشنهادی ارتقای تاب‌آوری اجتماعی

ایران در برابر تهاجم‌های رژیم صهیونیستی در غرب آسیا بررسی کرده‌ایم و نتیجه‌گیری شده است.

۲. مبانی نظری و روش پژوهش

در این بخش به تبیین و صورت‌بندی چارچوب نظری پژوهش می‌پردازیم. هدف در این پژوهش، آزمون فرضیه‌ای ساده و تک‌متغیره نیست، بلکه طراحی و اعتبارسنجی چارچوبی مفهومی و چندبعدی برای ارتقای تاب‌آوری اجتماعی دنبال شده است. در چنین پژوهش‌هایی، هدف اصلی گذار از متون نظری به مدلی عملیاتی و بومی‌شده است تا مبنای سیاستگذاری قرار گیرد. در این راستا، در این بخش به تبیین و صورت‌بندی چارچوب نظری پژوهش می‌پردازیم. هدف آن است که با ریشه‌یابی مفاهیم کلیدی در متون علمی، شالوده تحلیلی منسجمی برای درک پدیده «تاب‌آوری اجتماعی» در زمینه جنگ ترکیبی فراهم آید. برای این منظور، نخست مفهوم تاب‌آوری اجتماعی از منظر پارادایم‌های نوین واکاوی و ابعاد بنیادین آن تشریح می‌شود. سپس، ماهیت تهدیدهای ترکیبی به‌عنوان متغیر مستقل اصلی تحلیل خواهد شد. در نهایت، با تلفیق این دو، مدل مفهومی پژوهش مطرح می‌شود که بر گذار به الگوی حکمرانی جامعه‌محور استوار است.

۱.۲. تاب‌آوری اجتماعی

۱.۱.۲. مفهوم‌شناسی و ریشه‌های نظری تاب‌آوری

مفهوم «تاب‌آوری»^۱ ریشه در علوم فیزیک و مهندسی دارد برای توصیف ظرفیت ماده در بازگشت به حالت اولیه پس از تحمل فشار. این مفهوم در دهه‌های اخیر به یکی از مفاهیم کلیدی در علوم اجتماعی، سیاسی و امنیتی بدل شده است. این مفهوم در گذار خود از علوم طبیعی به علوم انسانی، نخست در روان‌شناسی برای تبیین توانایی افراد در مواجهه با تروما، سپس در بوم‌شناسی برای تحلیل قابلیت زیست‌بوم‌ها در جذب اختلال‌ها و بازسازی خود به کار گرفته شد. در عرصه مطالعات اجتماعی و سیاسی، تاب‌آوری از نگاهی ایستا و مکانیکی (صرفاً بازگشت به وضعیت پیشین) فراتر می‌رود و به‌مثابه «ظرفیتی پویا»^۲ در نظر گرفته می‌شود. این ظرفیت نه‌تنها به بقای سیستم اجتماعی در شرایط بحرانی، بلکه به توانایی آن در یادگیری، انطباق و حتی تحول مثبت در پی مواجهه با تکلنه‌ها و فشارهای

1. resilience

2. dynamic capacity

مزمّن اشاره دارد (کردمیرزانیکوزاده، ۱۳۹۲: ۹-۱۰). از این منظر، جامعه تاب‌آور سیستمی است که می‌تواند ساختارها و کارکردهای اساسی خود را در برابر انواع اختلال، از بلایای طبیعی گرفته تا فشارهای سیاسی و اقتصادی، حفظ و از تجارب بحران برای تقویت خود بهره‌برداری کند (Rollason, 2025).

در متون علوم اجتماعی، تفکیک دقیق مفهوم تاب‌آوری از انگاره‌های مشابه اما متمایز آن، امری ضروری است. در این چارچوب مفهومی، مقاومت^۱ به مثابه ویژگی‌ای ایستا، بر ظرفیت سیستم در تحمل ضربه و حفظ وضعیت موجود بدون تغییرات ساختاری عمیق، دلالت دارد. «انطباق»^۲، فراتر از مقاومت، به فرایند تعدیل‌های تدریجی در رویه‌ها و کارکردها به منظور هم‌سازی با فشارهای محیطی اشاره می‌کند، اما این تعدیل‌ها بیشتر ساختارهای بنیادین سیستم را دستخوش تحول نمی‌سازد (Windle, 2011). در مقابل این دو، تاب‌آوری ظرفیت پویای سیستم برای یادگیری از اختلال‌ها، بازآرایی ساختاری و عملکردی، و در نهایت، گذار به وضعیت تعادلی نوینی است که از حیث کارایی و پایداری بر وضعیت پیشابحران برتری دارد (Wierzchowska, 2018). در این نوشتار، تاب‌آوری را بر اساس همین رویکرد پویا و تحول‌آفرین واکاوی کرده‌ایم.

۲.۱.۲. تاب‌آوری اجتماعی در پارادایم مطالعات امنیتی معاصر

در چارچوب مطالعات امنیتی، به‌ویژه با ظهور تهدیدهای نوین و پیچیده‌ای همچون «جنگ ترکیبی»، مفهوم تاب‌آوری اجتماعی اهمیتی دوچندان یافته است. پارادایم‌های سنتی امنیت ملی که بیشتر بر قدرت سخت‌افزاری دولت (توان نظامی و اقتصادی) متمرکز بود، برای تبیین مقاومت جوامع در برابر فشارهای چندوجهی و بلندمدت نظیر تحریم‌های اقتصادی، جنگ‌های شناختی و عملیات روانی، و حملات سایبری ناتوان است (Apostol et al., 2022).

تهاجم‌های غیرقانونی رژیم صهیونیستی علیه ایران نیز در این چارچوب تحلیل‌پذیر است. این تهاجم‌ها با هدف ایجاد و تشدید شکاف‌های اجتماعی، مشروعیت‌زدایی از ارزش‌های بنیادین و القای حس ناامیدی و بی‌عملی در جامعه طراحی می‌شود (Eslami, 2025; Kouhpayeh, 2025).

در این فضای جدید، تاب‌آوری اجتماعی دارایی‌ای راهبردی برای امنیت ملی تعریف می‌شود. در این رویکرد، تحلیل امنیت از سطح «دولت‌محور» به سطح

1. Resistance
2. Adaptation

«جامعه‌محور» منتقل و بر این واقعیت تأکید می‌شود که آسیب‌پذیری یا مقاومت کشور در برابر تهاجم‌های خارجی، به‌طور عمیق به انسجام داخلی، کارآمدی نهادها و ظرفیت شبکه‌های مردمی آن وابسته است (MÂRZAC, 2024). بنابراین، تاب‌آوری اجتماعی صرفاً واکنشی منفعلانه به بحران نیست، بلکه راهبردی پیش‌دستانه است برای «مصون‌سازی درونی» جامعه در برابر تهدیدهایی که کلیت زیست اجتماعی و سیاسی آن را هدف قرار می‌دهد.

۳.۱.۲. مؤلفه‌ها و پیشران‌های کلیدی تاب‌آوری اجتماعی

تاب‌آوری اجتماعی ویژگی ذاتی و ثابتی نیست، بلکه برآیند تعامل پیچیده‌ای از مؤلفه‌های گوناگون در سطوح مختلف جامعه است. این مؤلفه‌ها را می‌توان در قالب «دارایی‌های راهبردی بومی» دسته‌بندی کرد که در زمان بحران، قابلیت فعال‌سازی و هم‌افزایی دارند. مهم‌ترین این دارایی‌ها عبارت است از:

الف) انسجام و سرمایه اجتماعی. در این بعد به روابط، اعتماد و هنجارهای موجود میان مردم و گروه‌های اجتماعی پرداخته می‌شود. این سرمایه، ظرفیت خودجوش جامعه برای هم‌بستگی و کنش جمعی در غیاب یا در کنار نهادهای رسمی را شکل می‌دهد (Ramadan et al., 2025). بر این اساس، مهم‌ترین شاخص‌های تاب‌آوری اجتماعی در این بعد عبارت است از (Oktaviany et al., 2024):

- اعتماد بین‌فردی و گروهی: سطح اعتماد و هم‌بستگی میان گروه‌های مختلف در سطوح مختلف کشور (Lahusen, 2023: 568)؛
- انسجام و هویت ملی مشترک: درجهٔ وفاق عمومی بر سر منافع و امنیت ملی در برابر تهدیدهای خارجی (Hobden & Piper, 2023: 34)؛
- شبکه‌های همیاری مردمی و داوطلبانه: ظرفیت جامعه در سازماندهی سریع پویش‌های مردمی (مانند جمع‌آوری کمک) در واکنش به بحران (Alscher et al., 2025)؛
- هنجارهای همکاری و مسئولیت‌پذیری اجتماعی: فرهنگ عمومی کمک به هم‌نوع، ایثار و ترجیح منافع جمعی بر منافع فردی در شرایط بحرانی (Portes, 2024).

ب) حکمرانی شبکه‌ای و مشارکتی. در این بعد بر رابطهٔ میان حاکمیت و مردم، همچنین عملکرد نهادهای دولتی و عمومی تمرکز می‌شود.

توانایی این نهادها در مدیریت بحران، جلب اعتماد عمومی و فراهم سازی بسترهای مشارکت، محور اصلی این بعد است. بر این اساس، مهم ترین شاخص های تاب آوری اجتماعی در این بعد عبارت است از:

- شفافیت، پاسخگویی و عدالت توزیعی: ادراک عمومی از عدالت در توزیع منابع و خدمات حاکمیت، به ویژه در شرایط اضطراری (Côté et al., 2024)؛

- کارآمدی در عرضه خدمات حیاتی و مدیریت بحران: سرعت و کیفیت عملکرد نهادهای مسئول در تأمین امنیت، بهداشت، انرژی و ارتباطات پس از حمله یا بحران (Sutiyoso & Faedlulloh, 2024)؛
- ظرفیت مشارکت دهی و بسیج عمومی: توانایی حاکمیت در سازماندهی و هدایت ظرفیت های مردمی (مانند بسیج) در فرایندهای تصمیم گیری مرتبط با امنیت ملی (Strømsnes, 2023: 38).

(پ) **پویایی انطباقی و یادگیری نظام مند.** در این بعد به توانایی کشور در تولید، به کارگیری و انتشار دانش و فناوری در تحلیل تهدیدها، یافتن راه حل های خلاقانه و کاهش وابستگی های راهبردی پرداخته می شود. بر این اساس، مهم ترین شاخص های تاب آوری اجتماعی در این بعد عبارت است از:

- خوداتکایی در دانش فنی و فناوری های راهبردی: میزان تسلط بر دانش طراحی و تولید در حوزه های حیاتی مرتبط با امنیت ملی (Kennedy, 2023)؛

- شبکه های یادگیری و تحلیل راهبردی بحران: وجود سازوکارهای نظام مند در ثبت تجارب، مستندسازی شکست ها و موفقیت ها و یادگیری از بحران های گذشته (Owen, 2023: 412)؛

- ظرفیت نوآوری و انطباق سریع فناورانه: سرعت نظام علمی و صنعتی کشور در طرح راه حل های نوآورانه برای مقابله با تهدیدهای جدید (Cinalli, 2023: 359)؛

- سواد رسانه ای و مصونیت شناختی جامعه: توانایی عمومی مردم و نخبگان در تشخیص اخبار جعلی، عملیات روانی و پروپاگاندای دشمن (Huang et al., 2024).

(ت) **اتکا به دارایی های درونزا.** در این بعد به ظرفیت های مادی و ساختاری

اقتصاد کشور در مقاومت در برابر شوک‌های ناشی از تهاجم یا تحریم پرداخته می‌شود. بر این اساس، مهم‌ترین شاخص‌های تاب‌آوری اجتماعی در این بعد عبارت است از (Ossevorh et al., 2022):

- امنیت غذایی و دارویی: وجود و مدیریت بهینه ذخایر راهبردی گندم، دارو و تجهیزات پزشکی؛
- استقلال در زنجیره تأمین انرژی و صنعت: توانایی صنایع داخلی در تأمین قطعات و مواد اولیه حیاتی بدون وابستگی به خارج؛
- زیرساخت‌های حیاتی انعطاف‌پذیر و چندوجهی: وجود مسیرها و سیستم‌های جایگزین برای حمل‌ونقل، ارتباطات و توزیع انرژی در صورت تخریب بخشی از شبکه؛
- ثبات اقتصاد کلان و تاب‌آوری مالی: میزان وابستگی اقتصاد به درآمدهای نفتی و آسیب‌پذیری آن در برابر نوسان‌های بازارهای جهانی.

این مؤلفه‌ها در نظامی شبکه‌ای و به هم پیوسته عمل می‌کنند و قدرت واقعی تاب‌آوری اجتماعی از هم‌افزایی میان آن‌ها نشأت می‌گیرد.

۴.۱.۲. تعریف عملیاتی تاب‌آوری اجتماعی در چارچوب امنیت غرب آسیا

با عنایت به مباحث نظری پیشین و با تمرکز بر موضوع این پژوهش، لازم است تعریفی دقیق و عملیاتی از تاب‌آوری اجتماعی طرح کنیم. در چارچوب تحلیل مطالعات امنیتی در غرب آسیای معاصر، و با نظر به تکانه‌های شدید ژئوپلیتیکی نظیر تهاجم‌های غیرقانونی و جنگ ترکیبی رژیم صهیونیستی علیه ایران، تاب‌آوری اجتماعی به مثابه ظرفیت پویای جامعه در جذب، انطباق و تحول مثبت در برابر تهدیدها و فشارها تعریف می‌شود. این ظرفیت، حاصل سیستمی شبکه‌ای و درون‌زا از کنش‌های متقابل دولتی-مردمی است که با هدف دوگانه حفظ کارکردهای بنیادین جامعه (تأمین نیازها) و ارتقای «مصونیت نظام‌مند» در برابر تهدیدهای خارجی شکل می‌گیرد. تاب‌آوری اجتماعی، در تقابل با نگرش‌های سنتی که جامعه را صرفاً گیرنده‌ای منفعل برای حمایت‌های جبرانی پس از بحران می‌دانند، فشارها و بحران‌ها (مانند تحریم‌های اقتصادی یا تهدیدهای امنیتی) را به فرصتی برای فعال‌سازی و هم‌افزایی «دارایی‌های راهبردی بومی» بدل می‌سازد. این دارایی‌ها شامل سرمایه اجتماعی، پویایی انطباقی، اتکا به دارایی‌های درون‌زا و تاب‌آوری و خوداتکایی اقتصادی است. هدف غایی، نه صرفاً بازگشت به وضعیت پیش از بحران، بلکه گذار به سوی

ایجاد «زیست‌بومی مقاوم» است؛ زیست‌بومی که در آن جامعه از طریق فرایندهای یادگیری انطباقی و مشارکتی، به «استقلال کارکردی» و «عدالت اجتماعی» دست می‌یابد. بدین ترتیب، عدالت اجتماعی و کرامت انسانی را حتی در شرایط تهاجم و فشار خارجی به‌طور پایدار و درون‌زا تضمین می‌کند.

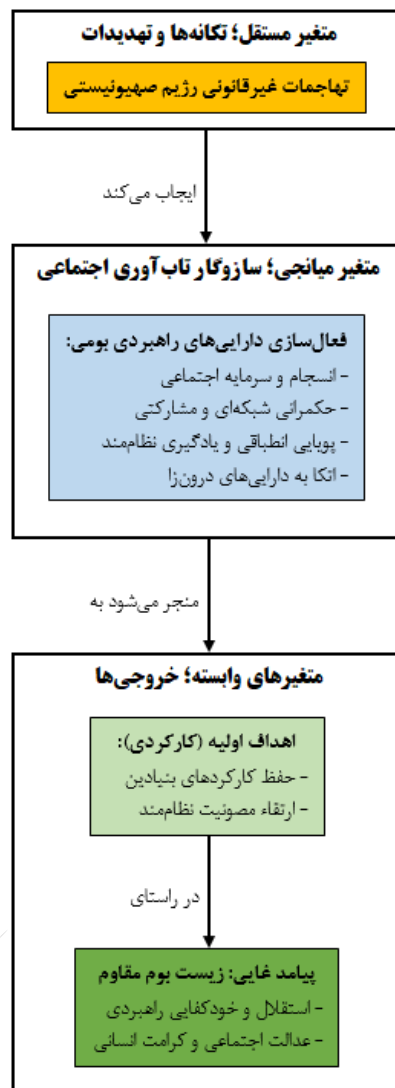
۵.۱.۲. مدل مفهومی پژوهش

بر اساس چارچوب نظری تشریح‌شده، مدل مفهومی پژوهش به شرح زیر طراحی شده است. این مدل نشان می‌دهد که چگونه تهاجم‌ها و فشارهای خارجی (متغیر مستقل) به‌جای ایجاد فروپاشی، ممکن است از طریق «سازوکار تاب‌آوری اجتماعی» (متغیر میانجی) مبتنی بر فعال‌سازی «دارایی‌های راهبردی بومی»، به نتایج مثبتی همچون «مصونیت نظام‌مند» و در نهایت ایجاد «زیست‌بوم مقاوم» (متغیرهای وابسته) منجر شود.

در این مدل، متغیر مستقل شامل «تکانه‌ها و تهدیدهای خارجی» است که به‌طور مشخص بر تهاجم‌های رژیم صهیونیستی در غرب آسیا متمرکز است. این تهاجم‌ها صرفاً به‌معنای تهدید نظامی نیست، بلکه ابعاد پیچیده «جنگی ترکیبی» را در بر می‌گیرد، شامل فشارهای اقتصادی، عملیات شناختی و روانی، و حملات سایبری. این مجموعه از فشارها نیروی محرکه‌ای عمل‌مک‌رد که سیستم اجتماعی-سیاسی ایران را به چالش کشید و ضرورت فعال‌سازی پاسخی نظام‌مند و درون‌زا را ایجاد می‌کند. بنابراین، این متغیر تسهیلگری (کاتالیزوری) است که کل فرایند تاب‌آوری را به جریان می‌اندازد.

در قلب این مدل، متغیر میانجی، یعنی «سازوکار ارتقای تاب‌آوری اجتماعی»، قرار دارد که به‌مثابه‌ی موتور تبدیل تهدید به فرصت عمل می‌کند. این سازوکار فرایندی انتزاعی نیست، بلکه بر فعال‌سازی و هم‌افزایی «دارایی‌های راهبردی بومی» استوار است. این دارایی‌ها عبارت است از سرمایه اجتماعی (انسجام و اعتماد)، پویایی انطباقی (ظرفیت نهادی و مشارکت مردمی)، اتکا به دارایی‌های درون‌زا و تاب‌آوری اقتصادی.

خروجی‌ها و پیامدهای این فرایند، در قالب متغیرهای وابسته مدل، در دو سطح متوالی تعریف می‌شود. در سطح نخست، اهداف کارکردی و فوری قرار دارد، شامل «حفظ کارکردهای بنیادین جامعه» (تداوم عرضه خدمات ضروری و تأمین نیازهای اساسی) و «ارتقای مصونیت نظام‌مند» (کاهش آسیب‌پذیری‌های ساختاری در برابر تکانه‌های آتی).



منبع: یافته‌های پژوهش
شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

اما، هدف غایی و پیامد تحول‌آفرین این مدل، در سطح دوم و در قالب شکل‌گیری «زیست‌بوم مقاوم» تعریف می‌شود؛ وضعیتی مطلوب که در آن جامعه به «استقلال کارکردی» و «عدالت اجتماعی» دست یافته و قادر است عدالت اجتماعی و کرامت انسانی را به‌طور پایدار و درون‌زا، حتی در سخت‌ترین شرایط فشار خارجی، تضمین کند.

در نهایت، پویایی و ماهیت تکاملی این مدل از طریق «حلقه بازخورد

یادگیری» تبیین می‌شود. این حلقه نشان می‌دهد که فرایند تاب‌آوری چرخه‌ای خطی و یک‌طرفه نیست. دستیابی به نتایج مثبت (متغیرهای وابسته)، به نوبه خود، به تقویت و غنی‌سازی «دارایی‌های راهبردی بومی» (متغیر میانجی) منجر می‌شود. به عبارت دیگر، هر بار که جامعه با موفقیت از بحرانی عبور می‌کند، از طریق تجارب کسب‌شده، سرمایه اجتماعی خود را تعمیق می‌بخشد، کارآمدی حکمرانی خود را بهبود می‌دهد و ظرفیت‌های علمی و اقتصادی خود را ارتقا می‌بخشد. این فرایند تقویتی، جامعه را در مواجهه با چالش‌های آینده، مقاوم‌تر و آماده‌تر می‌سازد و ماهیت «تحول مثبت» را در مفهوم تاب‌آوری محقق می‌کند.

۲.۲. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف، پژوهشی کاربردی-توسعه‌ای است و از منظر ماهیت و روش گردآوری داده‌ها، از رویکرد آمیخته (کیفی-کمی) در دو مرحله متوالی بهره برده شده است. با توجه به اینکه هدف اصلی این پژوهش، نه آزمون فرضیه از پیش موجود، بلکه طراحی، اعتبارسنجی و بومی‌سازی چارچوب مفهومی جامعه برای ارتقای تاب‌آوری اجتماعی در بستر ایران است، سؤال اصلی پژوهش در شناسایی ابعاد و مؤلفه‌های سازوکاری کارآمد، نقشی محوری را ایفا می‌کند و جایگزین فرضیه در پژوهش‌های آزمونی می‌شود. بر این اساس، در این پژوهش، از طریق فرایندی دومرحله‌ای و نظام‌مند، تولید دانش جدید دنبال شده است:

مرحله نخست (کیفی). ابتدا بر اساس مبانی نظری موجود، مدل مفهومی اولیه از ابعاد و مؤلفه‌های تاب‌آوری اجتماعی تدوین شد. سپس، این مدل اولیه از طریق روش دلفی در معرض قضاوت گروهی از خبرگان قرار گرفت. در این مرحله، داده‌های کیفی و کمی از خبرگان جمع‌آوری شد تا مدل اولیه نقد، اصلاح و تکمیل شود. هدف این مرحله، دستیابی به چارچوبی اجماعی و معتبر بود.

مرحله دوم (کمی). پس از اعتبارسنجی و نهایی‌سازی چارچوب مفهومی، از تحلیل اهمیت-عملکرد (IPA) برای ارزیابی وضعیت موجود استفاده شد. این تحلیل امکان آن را فراهم می‌آورد که شکاف‌ها و نقاط ضعف تاب‌آوری (یعنی موارد با اهمیت زیاد و عملکرد پایین) به‌طور عینی شناسایی شود. در این رویکرد، اصل ابطال‌پذیری رعایت می‌شود؛ زیرا اگر داده‌ها نشان می‌دادند که تمامی مؤلفه‌های مهم عملکرد ضعیفی دارند، نتیجه پژوهش می‌توانست ضعف تاب‌آوری اجتماعی در کشور باشد. بنابراین، داده‌ها صرفاً برای تأیید گزاره‌ای از پیش تعیین‌شده به کار نرفته است، بلکه برای ترسیم سازوکار ارتقای تاب‌آوری

اجتماعی مبتنی بر وضعیت موجود استفاده شده است. در ادامه، جزئیات هر مرحله تشریح می‌شود.

۱.۲.۲. جامعه آماری پژوهش

جامعه آماری این پژوهش شامل خبرگان و متخصصان علمی و اجرایی کشور در حوزه‌های مرتبط با موضوع تاب‌آوری اجتماعی است. برای انتخاب اعضای گروه، از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. معیارهای اصلی برای انتخاب خبرگان عبارت بود از:

- تخصص علمی: دارا بودن مدرک دکتری در یکی از چهار حوزه کلیدی اقتصاد، جامعه‌شناسی، سیاستگذاری عمومی و امنیت ملی؛
- تجربه عملیاتی: داشتن حداقل ۱۰ سال سابقه فعالیت پژوهشی، مشاوره‌ای یا اجرایی در نهادهای راهبردی و مرتبط با موضوع؛
- تألیفات مرتبط: انتشار مقاله‌های علمی، کتب یا گزارش‌های راهبردی در زمینه تاب‌آوری، مدیریت بحران، توسعه پایدار یا امنیت ملی.

بر اساس این معیارها، گروهی متشکل از ۱۴ نفر از خبرگان تشکیل شد. به‌منظور رعایت اصول اخلاقی پژوهش و تشویق مشارکت‌کنندگان به دادن پاسخ‌های صریح و دقیق، هویت اعضای گروه محرمانه باقی ماند. مشخصات کلی این افراد (بدون ذکر نام) در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. مشخصات اعضای گروه خبرگان پژوهش

تعداد	مشخصات خبرگان پژوهش
۸	مسئولان دستگاه‌ها و نهادهای اجرایی کشور که در زمینه ارتقای تاب‌آوری اجتماعی آگاهی دارند
۶	اندیشمندان و متخصصانی که در زمینه ارتقای تاب‌آوری اجتماعی پژوهش می‌کنند

این ترکیب متنوع از خبرگان، که هم دیدگاه‌های نظری دانشگاهی و هم تجارب عملیاتی و اجرایی را پوشش می‌دهند، به غنای داده‌ها و اعتبار نتایج حاصل از مراحل دلفی و تحلیل اهمیت-عملکرد (IPA) کمک شایانی کرد.

۲.۲.۲. مرحله نخست: اعتبارسنجی چارچوب مفهومی با استفاده از روش دلفی

به‌منظور گذار از مدل مفهومی مستخرج از مبانی نظری به چارچوبی عملیاتی و

اجماع شده، در مرحله نخست از روش دلفی استفاده شد. روش دلفی فرایندی ساختاریافته برای دستیابی به اجماع گروهی از طریق پرسشنامه‌های متوالی و بازخورد کنترل شده است که برای موضوع‌های پیچیده و چندبعدی، همچون تاب‌آوری اجتماعی، ابزاری بسیار کارآمد محسوب می‌شود. هدف اصلی از به‌کارگیری این روش، شناسایی، غربالگری و اجماع‌یابی بر سر ابعاد و مؤلفه‌های کلیدی سازوکار ارتقای تاب‌آوری اجتماعی ایران بود.

فرایند دلفی در چند دور به اجرا درآمد؛ در گام نخست، چارچوب اولیه پژوهش، متشکل از چهار بُعد اصلی و شانزده مؤلفه (برگرفته از متون نظری)، در قالب پرسشنامه دور نخست در اختیار گروه خبرگان قرار گرفت. از اعضای گروه خواسته شد تا در خصوص هر مؤلفه، سه اقدام به‌عمل آورند:

- ارزیابی اهمیت. میزان اهمیت و مرتبط بودن هر مؤلفه با مفهوم تاب‌آوری اجتماعی ایران در طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای (از ۱: بسیار کم تا ۵: بسیار زیاد) مشخص شد.
- دادن بازخورد کیفی. پیشنهادهایی برای حذف مؤلفه‌های نامرتبط، ادغام مؤلفه‌های دارای همپوشانی، اصلاح و بازنویسی عناوین برای افزایش دقت و افزودن مؤلفه‌های مغفول مانده مطرح شد.
- ارزیابی ساختار ابعاد. نظرهای خود را درباره منطق دسته‌بندی مؤلفه‌ها در ابعاد چهارگانه اولیه بیان کردند.

در دوره‌های بعدی، پاسخ‌های گردآوری شده به‌لحاظ آماری تحلیل و نتایج به‌همراه پرسشنامه جدید برای گروه ارسال شد تا به تدریج اجماع بر سر مهم‌ترین و مرتبط‌ترین شاخص‌ها حاصل شود. برای تحلیل نتایج کمی و تعیین سطح اجماع، دو شاخص آماری معیار تصمیم‌گیری تعریف شد:

- میانگین. مؤلفه‌هایی که میانگین امتیاز اهمیت آن‌ها بیشتر از ۴/۰ بود، مؤلفه‌های دارای اهمیت زیاد شناخته شد و در فرایند باقی ماند.
- ضریب تغییرات^۱. این شاخص برای سنجش میزان توافق و همگرایی نظرهای خبرگان به‌کار گرفته شد. مقدار این ضریب از تقسیم انحراف معیار بر میانگین به‌دست می‌آید. در این پژوهش، ضریب تغییرات کمتر از ۰/۲۵ «سطح اجماع زیاد» در نظر گرفته شد.

1. Coefficient of Variation (CV)

خروجی نهایی این مرحله، چارچوب مفهومی معتبر و مورد اجماع از مؤلفه‌ها و شاخص‌های کلیدی تاب‌آوری اجتماعی بود که مبنای تحلیل در مرحله دوم پژوهش قرار گرفت.

۳.۲.۲. مرحله دوم: تحلیل وضعیت موجود با استفاده از تحلیل اهمیت-عملکرد

پس از نهایی‌سازی شاخص‌های تاب‌آوری اجتماعی، در مرحله دوم پژوهش به منظور ارزیابی وضعیت موجود و شناسایی اولویت‌های راهبردی، از مدل تحلیل اهمیت-عملکرد^۱ استفاده شد. این ابزار تشخیصی که نخستین بار مارتیلا و جیمز (۱۹۷۷) معرفی کردند، امکان مقایسه هم‌زمان ادراک خبرگان از «اهمیت» یک مؤلفه با «عملکرد» واقعی آن را فراهم می‌آورد و از این طریق، تخصیص بهینه منابع تسهیل می‌شود (Azzopardi & Nash, 2013). مزیت اصلی این تحلیل، رویکرد تلفیقی آن است که از طریق بررسی توأمان اهمیت سیاست از منظر خبرگان و عملکرد واقعی آن در حوزه اجرا، به بینشی هم‌افزا و عمیق‌تر دست می‌یابد.

برای پیاده‌سازی این تحلیل، گام‌های زیر برداشته شد (Eskildsen & Kristensen, 2006):

الف) در گام نخست، از جامعه خبرگان خواسته شد تا میزان «اهمیت» و «عملکرد» هر یک از مؤلفه‌های تاب‌آوری اجتماعی را ارزیابی کنند. این ارزیابی براساس مقیاس لیکرت پنج‌طیفی (از ۱: بسیار کم تا ۵: بسیار زیاد) صورت پذیرفت. در این راستا، امتیاز اهمیت مؤلفه j -ام از دیدگاه خبره p -ام با b_{jp} و امتیاز عملکرد آن با c_{jp} نمایش داده می‌شود (که در آن $j=1,2,...,n$ و $p=1,2,...,n$)، و m تعداد مؤلفه‌ها و n تعداد خبرگان است.

$$b_j = \left(\prod_{p=1}^n b_{jp} \right)^{\frac{1}{n}} \quad \text{ارزش نهایی اهمیت}$$

$$c_j = \left(\prod_{p=1}^n c_{jp} \right)^{\frac{1}{n}} \quad \text{ارزش نهایی عملکرد}$$

ب) به منظور تجمیع دیدگاه‌های n خبره مشارکت‌کننده و دستیابی به امتیازی واحد برای هر مؤلفه، از میانگین هندسی استفاده شد. بر این اساس، مقادیر تجمیع‌شده «اهمیت» (b_j) و «عملکرد» (c_j) برای هر

1. Importance-Performance Analysis (IPA)

مؤلفه j-ام محاسبه شد که به ترتیب بیانگر امتیاز نهایی اهمیت و عملکرد آن مؤلفه بر اساس خرد جمعی خبرگان است.

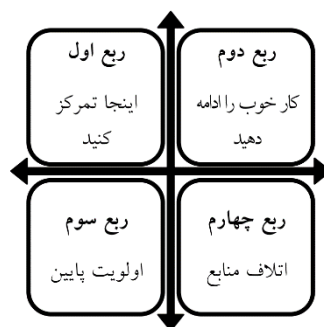
$$\mu_b = \frac{\sum_{j=1}^m b_j}{m}$$

$$\mu_c = \frac{\sum_{j=1}^m c_j}{m}$$

پ) گام سوم به محاسبه مقادیر آستانه اختصاص یافت که محورهای مرکزی و تفکیک کننده ربع های ماتریس اهمیت-عملکرد عمل می کنند. این مقادیر از طریق محاسبه میانگین حسابی برای مجموع امتیازات تجمیع شده اهمیت و عملکرد تمامی مؤلفه ها به دست آمد. مقدار آستانه محور اهمیت با μ_b و مقدار آستانه محور عملکرد با μ_c نمایش داده می شود.

ت) در گام نهایی، هر یک از مؤلفه ها بر اساس امتیازهای تجمیع شده خود در ماتریس دوبعدی اهمیت-عملکرد جانمایی شد. این ماتریس از دو محور متعامد تشکیل شده است: محور افقی (X) نمایانگر «عملکرد» و محور عمودی (Y) نمایانگر «اهمیت» است (Phadermrod et al., 2019). با استفاده از مقادیر آستانه محاسبه شده در مرحله قبل (μ_b و μ_c) نقطه تقاطع مرکزی، فضای ماتریس به چهار ربع تقسیم شد. بدین ترتیب، هر مؤلفه (j) با مختصات (b_j , c_j) در یکی از این چهار ربع قرار گرفت تا اولویت راهبردی آن مشخص شود (Oliver, 2010: 31-33):

- ناحیه (۱) تمرکز فوری: شاخص هایی با اهمیت زیاد اما عملکرد پایین. این ناحیه نشان دهنده آسیب پذیری های حیاتی و شکاف های راهبردی است که باید در اولویت اصلی سیاست گذاری و تخصیص منابع قرار گیرد.
- ناحیه (۲) حفظ وضع موجود: شاخص هایی با اهمیت زیاد و عملکرد بالا که نقاط قوت کلیدی سیستم محسوب می شوند.
- ناحیه (۳) اولویت کم: شاخص هایی با اهمیت کم و عملکرد پایین که در شرایط فعلی نیازمند توجه ویژه ای نیست.
- ناحیه (۴) اتلاف منابع: شاخص هایی با اهمیت کم اما عملکرد بالا که نشانگر تخصیص بیش از حد منابع به حوزه های کم اولویت است.



شکل ۲. ماتریس تحلیل اهمیت-عملکرد

در نهایت، تحلیل ماتریس اهمیت-عملکرد به ترسیم نقشه راهبردی دقیقی از وضعیت تاب‌آوری اجتماعی کشور منجر می‌شود و به سیاستگذاران اجازه می‌دهد تا با شناسایی نقاط بحرانی و فرصت‌های بهبود، مداخله‌های خود را به‌طور بهینه و اثربخش طراحی و اجرا کنند (قلی‌پور و رازینی، ۱۳۹۵).

۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

در این بخش به تحلیل یافته‌های پژوهش در دو مرحله متوالی می‌پردازیم. نخست، چارچوب مفهومی نهایی تاب‌آوری اجتماعی که از طریق اجماع خبرگان در فرایند دلفی حاصل شده، تبیین می‌شود. سپس، با استفاده از تحلیل اهمیت-عملکرد (IPA)، وضعیت موجود کشور در هر یک از مؤلفه‌های این چارچوب ارزیابی و شکاف‌های راهبردی برای اقدام فوری شناسایی می‌شود.

۱.۳. یافته‌های حاصل از مرحله دلفی؛ اعتبارسنجی و نهایی‌سازی چارچوب مفهومی
در این بخش به تشریح فرایند و نتایج حاصل از به‌کارگیری روش دلفی به‌منظور اعتبارسنجی، بومی‌سازی و نهایی‌سازی چارچوب مفهومی تاب‌آوری اجتماعی در برابر تهاجم‌های رژیم صهیونیستی در غرب آسیا می‌پردازیم. هدف اصلی این مرحله، گذار از مدلی مفهومی مبتنی بر مبانی نظری عمومی به چارچوبی برساخته و اجماعی بود که به‌طور خاص با واقعیت‌های راهبردی، فرهنگی و اجتماعی ایران انطباق داشته باشد.

پس از جمع‌آوری و تحلیل پاسخ‌های دور نخست، نتایج کمی و کیفی نشان‌دهنده نیاز به بازنگری جدی در ساختار اولیه بود. در جدول ۲، نتایج آماری دور نخست مؤلفه‌های اولیه نمایش داده شده است.

جدول ۲. نتایج آماری تحلیل اهمیت مؤلفه‌های اولیه تاب‌آوری اجتماعی (دور نخست دلفی)

بعد اولیه	مؤلفه اولیه	میانگین اهمیت	ضریب تغییرات	تحلیل و تصمیم
انسجام و سرمایه اجتماعی	اعتماد بین فردی و گروهی	۴.۵۰	۰.۲۱	باقی ماندن، نیاز به بازتعریف
	انسجام و هویت ملی مشترک	۴.۸۰	۰.۱۹	باقی ماندن با اولویت بالا
	شبکه‌های همیاری مردمی	۴.۷۰	۰.۲۰	باقی ماندن با اولویت بالا
	هنجارهای همکاری و مسئولیت‌پذیری	۴.۶۵	۰.۲۸	عدم اجماع. بازخورد کیفی: مفهوم «ایثار» دقیق‌تر است.
	شفافیت، پاسخگویی و عدالت توزیعی	۴.۸۵	۰.۳۱	عدم اجماع. بازخورد کیفی: تفکیک «عدالت» از «شفافیت» ضروری است.
	کرامتی در عرضه خدمات	۴.۵۵	۰.۲۴	باقی ماندن، نیاز به بازتعریف
حکمرانی شبکه‌ای و مشارکتی	ظرفیت مشارکت‌دهی و بسیج عمومی	۴.۸۸	۰.۲۶	عدم اجماع. بازخورد کیفی: «مشارکت مردم‌محور» فراتر از «بسیج» است.
	خوداتکایی در فناوری‌های راهبردی	۴.۷۵	۰.۲۲	باقی ماندن با اولویت بالا
	شبکه‌های یادگیری و تحلیل بحران	۳.۸۵	۰.۳۵	حذف (میانگین کمتر از ۴). بازخورد کیفی: ادغام در مفهومی پویاتر
	ظرفیت نوآوری و انطباق فناورانه	۴.۲۰	۰.۲۹	عدم اجماع. بازخورد کیفی: مفهوم وسیع‌تر از صرفاً فناوری است.
پویایی انطباقی و یادگیری نظام‌مند	سواد رسانه‌ای و مصونیت شناختی	۴.۴۵	۰.۲۳	باقی ماندن با اولویت بالا
	امنیت غذایی و دارویی	۴.۶۰	۰.۲۰	باقی ماندن با اولویت بالا
	استقلال در زنجیره تأمین	۴.۱۰	۰.۳۳	عدم اجماع. بازخورد کیفی: زیرمجموعه «پویایی انطباقی» است.
	زیرساخت‌های حیاتی انعطاف‌پذیر	۳.۹۰	۰.۳۸	حذف (میانگین کمتر از ۴). بازخورد کیفی: نیاز به تمرکز بر انعطاف‌پذیری
اتکا به دارایی‌های درون‌زا	ثبات اقتصاد کلان	۳.۵۰	۰.۴۱	حذف (میانگین کمتر از ۴). بازخورد کیفی: نتیجه است نه عامل تاب‌آوری اجتماعی

تحلیل عمیق نظریه‌های کیفی خبرگان نشان داد که چارچوب اولیه، علی‌رغم پوشش نسبی موضوع، چند نقیصه مفهومی دارد:

الف) عدم تفکیک میان انسجام کارکردی و انسجام هنجاری. چارچوب اولیه، «انسجام اجتماعی» را بیشتر از منظر سرمایه اجتماعی و شبکه‌های همیاری می‌دید؛ اما خبرگان با بازتعریف این بعد تحت عنوان «انسجام مبتنی بر عدالت»، بر این نکته کلیدی تأکید ورزیدند که انسجام پایدار در شرایط بحران، بیش از آنکه محصول شبکه‌ها باشد، برآمده از بنیان‌های هنجاری و ارزشی است. انتقال مؤلفه «عدالت توزیعی» از بُعد حکمرانی به این بُعد، نشان می‌دهد که از نظر خبرگان، هم‌بستگی ملی بدون ادراک عمومی از عدالت، شکننده و غیرقابل اتکاست.

ب) تداخل مفهومی و اصلاح مرزبندی بین ابعاد. در مدل اولیه، «زیرساخت‌های حیاتی انعطاف‌پذیر» به‌منزله دارایی ثابت ذیل «اتکا به دارایی‌های درون‌زا» قرار گرفت؛ اما در مدل نهایی، این مؤلفه به بُعد «پویایی انطباقی» منتقل شد؛ زیرا از نظر خبرگان، انعطاف‌پذیری و جایگزین‌پذیری زیرساخت‌ها، ظرفیتی انطباقی و پویاست، نه دارایی ایستا. به همین ترتیب، مؤلفه‌هایی مانند «شبکه‌های همیاری مردمی» و «هنجارهای مسئولیت‌پذیری» از بُعد انسجام به بُعد «دارایی‌های درون‌زا» منتقل شد تا بر نقش آن‌ها به‌عنوان منابع قابل اتکا و فعال‌شونده در بحران (و نه صرفاً ویژگی‌های عمومی جامعه) تأکید شود.

پ) توجه به بستر اجتماعی در شرایط اضطراری. از منظر خبرگان، مؤلفه‌های چارچوب اولیه اغلب کلی و عمومی بود، درحالی‌که تاب‌آوری اجتماعی مفهومی وابسته به زمینه بحران است. خبرگان با افزودن قیودی مانند «در برابر تهدید خارجی»، «در شرایط بحران»، «در مدیریت بحران» و «مردم‌محور»، مفاهیم را از حالت انتزاعی خارج کردند و به موقعیت‌های عملیاتی پیوند زدند. برای نمونه، «ظرفیت مشارکت‌دهی» به «ظرفیت مشارکت‌دهی واقعی و بسیج عمومی مردم‌محور» تبدیل شد تا بر اهمیت اصالت و عمق مشارکت در برابر مشارکت‌های صوری تأکید شود.

ت) کم‌توجهی به مؤلفه‌های فرهنگی و شناختی به‌منزله منابع مستقل تاب‌آوری. در مدل اولیه اگرچه به «سواد رسانه‌ای» اشاره شده بود، ابعاد

فرهنگی عمیق تر تاب‌آوری نادیده گرفته شده بود. در مدل نهایی، با برجسته‌سازی «فرهنگ ایثار و مسئولیت‌پذیری اجتماعی» به‌منزله دارایی درون‌زا و تأکید بر «مصونیت شناختی جامعه» به‌منزله ظرفیت انطباقی، نقش فرهنگ، ارزش‌های جمعی و توانمندی‌های ذهنی جامعه در برابر جنگ‌های شناختی و فشارهای روانی ناشی از بحران، پررنگ شد و جایگاه مفهومی مستقلی یافت.

بر اساس این تحلیل‌ها، چارچوبی جدید در دور دوم دلفی به گروه داده شد که در آن ابعاد و مؤلفه‌ها بازآرایی شده بود. این چارچوب پس از دریافت بازخوردهای جزئی و کسب اجماع کامل (میانگین اهمیت زیاد ۴/۲ و ضریب اهمیت کمتر از ۰/۲۵ برای تمامی مؤلفه‌ها)، چارچوب نهایی پژوهش تصویب شد. خروجی نهایی فرایند دلفی، چارچوب مفهومی چهاربعدی و درهم‌تنیده‌ای است که با حذف، ادغام و بازتعریف مؤلفه‌های اولیه، مدلی بومی و متناسب با مختصات جامعه ایران به‌دست آمد. این چارچوب که مبنای تحلیل‌های بعدی پژوهش قرار گرفت، در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. چارچوب نهایی ابعاد و مؤلفه‌های تاب‌آوری اجتماعی

کد	بعد نهایی	کد	مؤلفه کلیدی
A	انسجام	A1	انسجام و هویت ملی مشترک در برابر تهدید خارجی
	مبتنی‌بر	A2	ادراک عمومی از عدالت توزیعی در تخصیص منابع و فرصت‌ها
	عدالت	A3	اعتماد بین‌فردی و انسجام درون‌گروهی
B	پویایی	B1	سواد رسانه‌ای و مصونیت شناختی جامعه
	انطباقی و	B2	ظرفیت نوآوری و انطباق سریع فناوریانه در شرایط بحران
	یادگیری	B3	انعطاف‌پذیری و جایگزین‌پذیری زیرساخت‌های حیاتی
	نظام‌مند	B4	وجود شبکه‌های یادگیری و مستندسازی تجارب بحران
C	اتکا به	C1	خوداتکایی در فناوری‌های راهبردی و دفاعی
	دارایی‌های	C2	امنیت غذایی و دارویی و مدیریت ذخایر راهبردی
	درون‌زا	C3	فرهنگ ایثار و مسئولیت‌پذیری اجتماعی
		C4	شبکه‌های همیاری مردمی و ظرفیت خودسازماندهی بومی
D	حکمرانی	D1	ظرفیت مشارکت‌دهی واقعی و بسیج عمومی مردم‌محور
	شبکه‌ای و	D2	شفافیت و پاسخگویی نهادها در فرایندهای تصمیم‌گیری
	مشارکتی	D3	کارآمدی نهادهای مسئول در عرضه خدمات حیاتی و عمومی

این چارچوب نهایی، نقطه عزیمت پژوهش برای ارزیابی وضعیت موجود کشور از طریق تحلیل اهمیت-عملکرد (IPA) محسوب می‌شود.

۲.۳. یافته‌های حاصل از تحلیل اهمیت-عملکرد؛ شناسایی شکاف راهبردی

همان‌گونه که بیان کردیم، ارتقای تاب‌آوری اجتماعی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تهدیدهای ترکیبی منطقه‌ای در غرب آسیا، مستلزم شناسایی و تقویت مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها و پیشران‌های کلیدی است. از این رو، اقتضا می‌نماید که پس از شناسایی و احصای ابعاد و مؤلفه‌های حیاتی و سازنده تاب‌آوری اجتماعی در این عرصه، میزان اهمیت راهبردی هر یک از این مؤلفه‌ها، همچنین وضعیت موجود آن‌ها در جامعه ایران ارزیابی شود تا در نهایت بتوان بر اساس تحلیل شکاف میان این دو، اقدام‌ها و راهبردهای اولویتدار را به‌منظور طراحی سازوکاری منسجم مطرح کرد.

بدین منظور، پس از گردآوری و اعتبارسنجی دیدگاه‌های خبرگان، و تعیین امتیازات مربوط به «اهمیت» و «عملکرد» برای هر مؤلفه، با طی مراحل تحلیل اهمیت-عملکرد، فرایند اجماع‌سازی و یکپارچه‌کردن نظرهای خبرگان صورت گرفت. جدول ۴، بیانگر نمرات نهایی محاسبه‌شده برای هر یک از مؤلفه‌های تاب‌آوری اجتماعی است.

جدول ۴. میانگین امتیازها و رتبه‌بندی اهمیت و عملکرد مؤلفه‌های تاب‌آوری اجتماعی

کد	مؤلفه	اهمیت		عملکرد		جایگاه
		میانگین	رتبه	میانگین	رتبه	
A1	انسجام و هویت ملی	۴.۸۵	۳	۳.۳۹	۵	ربع دوم
A2	ادراک از عدالت توزیعی	۴.۹۶	۱	۱.۷۸	۱۴	ربع اول
A3	اعتماد بین فردی و انسجام درون گروهی	۴.۵	۱۰	۳.۰۵	۸	ربع چهارم
B1	سواد رسانه‌ای و مصونیت شناختی	۴.۵	۱۰	۲.۵۸	۱۰	ربع سوم
B2	ظرفیت نوآوری و انطباق فناورانه	۴.۲۵	۱۲	۳.۲۸	۶	ربع چهارم
B3	انعطاف‌پذیری زیرساخت‌های حیاتی	۳.۹۵	۱۳	۲.۷۸	۹	ربع سوم
B4	شبکه‌های یادگیری و مستندسازی	۳.۹	۱۴	۲.۳۳	۱۱	ربع سوم
C1	خوداتکایی در فناوری‌های راهبردی	۴.۸۱	۴	۴.۳۹	۱	ربع دوم
C2	امنیت غذایی و دارویی	۴.۶۵	۸	۳.۶۸	۴	ربع دوم
C3	فرهنگ ایثار و مسئولیت‌پذیری	۴.۷	۷	۴.۰۸	۲	ربع دوم
C4	شبکه‌های هم‌یاری مردمی	۴.۷۶	۵	۳.۷۹	۳	ربع دوم
D1	ظرفیت مشارکت‌دهی مردم‌محور	۴.۹۴	۲	۱.۹۸	۱۲	ربع اول
D2	شفافیت و پاسخگویی	۴.۷۵	۶	۱.۹۳	۱۳	ربع اول
D3	کل‌آمدی در عرضه خدمت	۴.۵۵	۹	۳.۱	۷	ربع چهارم
میانگین		۴.۵۸		۳.۰۱		

تحلیل داده‌های مندرج در جدول ۴، که رتبه‌بندی مؤلفه‌های تاب‌آوری اجتماعی را بر اساس دو معیار «اهمیت» و «عملکرد» ارائه می‌دهد، تصویری راهبردی و عمیق از معماری تاب‌آوری ملی ترسیم می‌کند. این تحلیل، بر شناسایی نقاط قوت بالفعل و ظرفیت‌های بالقوه برای تعالی تاب‌آوری ملی متمرکز است.

۱.۲.۳. تحلیل ساختاری داده‌های اهمیت و عملکرد تاب‌آوری اجتماعی

بررسی تحلیلی داده‌های کمی و رتبه‌بندی مؤلفه‌ها، الگوهای ساختاری و اولویت‌های راهبردی در سازوکار تاب‌آوری اجتماعی ایران را، آن‌گونه که گروه خبرگان درک کرده‌اند، به روشنی نمایان می‌سازد. این تحلیل، نقشه راهی برای تقویت «زیست‌بوم مقاوم» کشور بر اساس «دارایی‌های راهبردی بومی» فراهم می‌آورد.

تحلیل ستون «رتبه اهمیت» بیانگر عمق نگرش خبرگان کشور پیرامون الزام‌های تاب‌آوری در برابر جنگ‌های ترکیبی است. قرارگرفتن مؤلفه‌هایی چون «ادراک از عدالت توزیعی» (رتبه ۱)، «ظرفیت مشارکت‌دهی مردم‌محور» (رتبه ۲) و «انسجام و هویت ملی» (رتبه ۳) در صدر اولویت‌ها، نشان‌دهنده آن است که از منظر متخصصان، مؤثرترین بنیان برای مصونیت نظام‌مند، در گرو تعمیق و تحکیم پیوند میان مردم و نظام حکمرانی است. این اولویت‌بندی «سرمایه اجتماعی» را هسته‌ای مرکزی و نقطه ثقل «سازوکار ارتقای تاب‌آوری اجتماعی» معرفی می‌کند و مؤید این واقعیت است که راهبرد اصلی دشمن، تضعیف همین پیوند است.

در سوی دیگر، ستون «رتبه عملکرد» دارایی‌های راهبردی و بالفعل کشور را از دیدگاه گروه خبرگان منعکس می‌کند؛ که در میدان عمل، ظرفیت زیادی از خود نشان داد. حضور مؤلفه‌هایی مانند «خوداتکایی در فناوری‌های راهبردی» (رتبه ۱)، «فرهنگ ایثار و مسئولیت‌پذیری» (رتبه ۲) و «شبکه‌های همیاری مردمی» (رتبه ۳) این گزاره را مطرح می‌کند که جامعه ایران با اتکا به توان داخلی، ارزش‌های فرهنگی و انسجام مردمی، پایه‌های «زیست‌بوم مقاوم» را با موفقیت بنا نهاده است. این عملکرد، نشان‌دهنده ارزیابی مثبت خبرگان از فعال‌شدن موفقیت‌آمیز بخش مهمی از «دارایی‌های راهبردی بومی» است که موتور محرکه تاب‌آوری عمل می‌کند.

تحلیل متقاطع این دو ستون، الگوی ساختاری مهمی را آشکار می‌سازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که میان اهمیت و عملکرد مؤلفه‌های مرتبط با

«دارایی‌های راهبردی بومی» (مانند خوداتکایی، فرهنگ ایثار و همیاری مردمی) همگرایی معنادار وجود دارد. این بخش‌ها نقاط قوت تثبیت‌شده سیستم شناسایی می‌شوند. در مقابل، یک واگرایی یا شکاف قابل توجه میان اهمیت بسیار زیاد و عملکرد نسبتاً پایین در مؤلفه‌های مرتبط با حکمرانی مشارکتی و عدالت‌محور (مانند ادراک از عدالت، مشارکت و شفافیت) مشاهده می‌شود. این شکاف، حوزه‌هایی را مشخص می‌کند که بیشترین ظرفیت را برای بهبود و سرمایه‌گذاری راهبردی دارند. این فرایند مصداق بارز «حلقه بازخورد یادگیری» در مدل مفهومی پژوهش است که طی آن، موفقیت در یک حوزه، به تقویت و تعالی سایر حوزه‌ها منجر می‌شود و تاب‌آوری اجتماعی را به‌شکلی پایدار و درون‌زا ارتقا می‌دهد.

۲.۲.۳. شناسایی اهرم‌های راهبردی برای تعمیق تاب‌آوری اجتماعی

تحلیل یافته‌های پژوهش، تصویری راهبردی از اولویت‌ها و اهرم‌های کلیدی را در ارتقای تاب‌آوری اجتماعی کشور آشکار می‌سازد. در این تحلیل، ضمن شناسایی نقاط قوت موجود، حوزه‌هایی با بیشترین ظرفیت برای بهبود و جهش کیفی به‌دقت مشخص می‌شود. در واقع، این یافته‌ها نشان می‌دهد که کدامیک از «دارایی‌های راهبردی بومی» از منظر خبرگان، اهرم‌های کلیدی برای تبدیل فشارهای خارجی به فرصتی برای مصونیت‌بخشی نظام‌مند عمل می‌کند. مهم‌ترین دستاورد این بخش، شناسایی دقیق مؤلفه‌هایی است که از دیدگاه گروه خبرگان، در تعمیق تاب‌آوری اجتماعی نقشی حیاتی ایفا می‌کنند و اکنون نقاط تمرکز راهبردی شناسایی می‌شوند. این حوزه‌ها، که بیشتر مؤلفه‌های نرم‌افزاری و معنابخش «سازوکار ارتقای تاب‌آوری اجتماعی» را تشکیل می‌دهند، بر اساس داده‌ها، بیشترین ظرفیت را برای سرمایه‌گذاری هدف‌مند دارند:

- ارتقای ادراک از عدالت توزیعی (A2). این مؤلفه با کسب رتبه ۱ اهمیت، محوری‌ترین ستون تاب‌آوری اجتماعی از دیدگاه خبرگان شناسایی شده است. جایگاه عملکردی آن (رتبه ۱۴) نشان می‌دهد این حوزه بیشترین شکاف میان اهمیت و عملکرد و در نتیجه، بیشترین ظرفیت بهبود را دارد. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری بر تقویت سازوکارهای عادلانه، قدرتمندترین اهرم برای فعال‌سازی سرمایه اجتماعی و تعمیق پیوندهای ملی محسوب می‌شود.
- ظرفیت مشارکت‌دهی مردم‌محور (D1). این مؤلفه با رتبه ۲ اهمیت از منظر خبرگان، در تبدیل انرژی اجتماعی به کنش جمعی و سازمان‌یافته

نقشی حیاتی دارد. رتبه عملکردی آن (۱۲) بیانگر وجود ظرفیتی عظیم و فعال نشده برای هم‌افزایی توانمندی‌های مردمی در چارچوب حکمرانی مشارکتی است. بر اساس یافته‌ها، تقویت این حوزه، مسیر اصلی برای تحقق «زیست‌بوم مقاوم» و خوداتکا شناخته می‌شود.

- شفافیت و پاسخگویی (D2). این مؤلفه با قرار گرفتن در رتبه ۶ اهمیت، یکی از پایه‌های اساسی اعتماد و کارآمدی در مدل تاب‌آوری شناخته می‌شود. جایگاه عملکردی آن (رتبه ۱۳) نیز نشان‌دهنده فرصت راهبردی برای تقویت ارتباط میان جامعه و ساختارهای حاکمیتی از طریق افزایش پاسخگویی و گردش آزاد اطلاعات است.

الگوی برآمده از این تحلیل، منطقی راهبردی را آشکار می‌سازد که بر اساس آن، مؤثرترین مسیر برای ارتقای «مصونیت نظام‌مند» در برابر جنگ ترکیبی، از طریق تقویت و فعال‌سازی دارایی‌های راهبردی بومی با ماهیت سیاسی-اجتماعی می‌گذرد. طبق این الگو، سازوکار ارتقای تاب‌آوری اجتماعی زمانی به اوج کارآمدی خود می‌رسد که فشارهای خارجی به بستری برای تقویت درونی در حوزه‌های عدالت، مشارکت و شفافیت تبدیل شود. به این ترتیب، یافته‌ها حاکی از آن است که نقاطی که دشمن برای ایجاد گسست بر آن‌ها تمرکز می‌کند، خود به کانون‌های تولید انسجام، اعتماد و قدرت ملی تبدیل می‌شود و چرخه «بازخورد یادگیری» مدلی مفهومی را به بهترین شکل محقق می‌سازد.

در نقطه مقابل این شکاف‌ها، تحلیل داده‌ها نشان‌دهنده همگرایی قدرتمند و معنادار میان اهمیت و عملکرد در مؤلفه‌های مرتبط با بعد «اتکا به دارایی‌های درون‌زا (C)» است. این مؤلفه‌ها بر اساس تحلیل انجام‌شده، شالوده مستحکم و نقاط قوت تثبیت‌شده تاب‌آوری ملی را تشکیل می‌دهد:

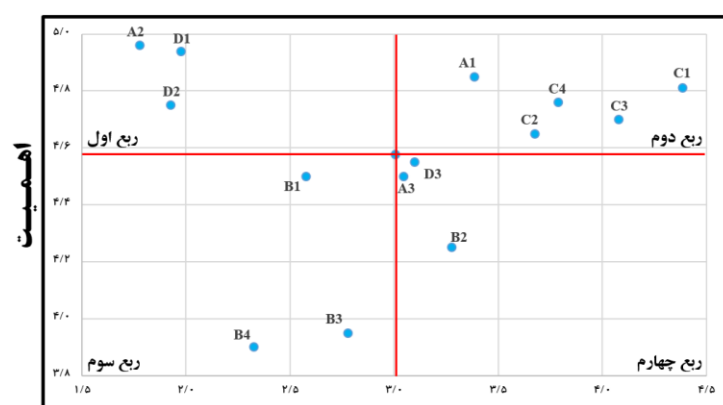
- خوداتکایی در فناوری‌های راهبردی (C1). این مؤلفه با کسب رتبه ۱ عملکرد و رتبه ۴ اهمیت، نشان‌دهنده موفقیتی راهبردی است. تحلیل داده‌های اهمیت-عملکرد نشان می‌دهد که عملکرد کشور در این حوزه حتی از سطح اهمیت درک‌شده خبرگان نیز فراتر رفته است.
- فرهنگ ایثار و مسئولیت‌پذیری (C3)، شبکه‌های همیاری مردمی (C4) و امنیت غذایی و دارویی (C2). این سه مؤلفه کلیدی به ترتیب رتبه‌های عملکرد ۲، ۳ و ۴ را کسب کرده‌اند و از منظر اهمیت نیز در جایگاه بالایی قرار دارند. این هم‌سویی نشان می‌دهد که کشور توانسته است

«دارایی‌های راهبردی بومی» خود، اعم از سرمایه‌های معنوی و اجتماعی (ایثار و همیاری) و الزام‌های زیستی (غذا و دارو)، را به شکل مؤثری فعال سازد و به مؤلفه‌های کارآمد در سازوکار تاب‌آوری تبدیل کند.

این یافته‌ها نشان می‌دهد که مسیر دستیابی به زیست‌بوم مقاوم و مصونیت نظام‌مند، بیش از آنکه به سخت‌افزار وابسته باشد، به فعال‌سازی و ارتقای ظرفیت‌های نرم‌افزاری (مفاهیمی چون عدالت، مشارکت، اعتماد و شفافیت) گره خورده است. تحلیل داده‌ها حاکی از آن است که این رویکرد، ظرفیت ایجاد چرخه‌ای فضیلت‌مند و تقویت‌کننده را برای تاب‌آوری اجتماعی پایدار دارد؛ به این معنا که ارتقای ظرفیت‌های نرم‌افزاری، نه تنها به افزایش کارآمدی نظام حکمرانی منجر می‌شود، بلکه این ظرفیت را دارد که به تقویت و غنی‌سازی مجدد دارایی‌های راهبردی بومی (مانند انسجام و اعتماد ملی) بینجامد و زمینه را برای تاب‌آوری پایدار فراهم آورد.

۳.۲.۳. تحلیل موقعیت مؤلفه‌ها در ماتریس اهمیت-عملکرد

تحلیل موقعیت مؤلفه‌ها در ماتریس اهمیت-عملکرد ابزاری تشخیصی را برای ارزیابی وضعیت موجود تاب‌آوری اجتماعی فراهم می‌آورد. این ماتریس با جانمایی هر مؤلفه بر اساس دو امتیاز «اهمیت» و «عملکرد» (که از دیدگاه خبرگان استخراج شده)، شکاف‌ها، نقاط قوت و حوزه‌های نیازمند توجه را به‌طور بصری نمایان می‌سازد. در ادامه، یافته‌های کلیدی بر اساس هر یک از نواحی چهارگانه این ماتریس تبیین می‌شود (شکل ۳).



عملکرد

شکل ۳. ماتریس تحلیل اهمیت-عملکرد تاب‌آوری اجتماعی ایران

(الف) ربع اول: نقاط تمرکز راهبردی برای جهش (اهمیت بالا / عملکرد نیازمند ارتقا)
این ناحیه از ماتریس، شامل مؤلفه‌هایی است که از دیدگاه خبرگان اهمیت زیادی دارد، اما عملکرد فعلی آن‌ها پایین ارزیابی شده است. قرارگرفتن مؤلفه‌هایی نظیر «ادراک از عدالت توزیعی» (A2)، «ظرفیت مشارکت‌دهی مردم‌محور» (D1) و «شفافیت و پاسخگویی» (D2) در این ناحیه، نشان‌دهنده شکافی قابل توجه است. این موقعیت بیانگر آن است که اجماع خبرگان بر اهمیت راهبردی این مؤلفه‌ها استوار است، در حالی که عملکرد موجود آن‌ها با سطح اهمیت درک‌شده تناسب ندارد. این یافته حوزه‌هایی را مشخص می‌کند که بیشترین ظرفیت برای بهبود و ارتقا در آن‌ها وجود دارد و به‌نوعی آسیب‌پذیری‌های اصلی سیستم از دیدگاه گروه خبرگان را نمایان می‌سازد.

(ب) ربع دوم: کانون‌های قوت راهبردی (اهمیت زیاد / عملکرد بالا)
این ناحیه، معرف دارایی‌های راهبردی و نقاط قوت تثبیت‌شده سیستم است؛ مؤلفه‌هایی که هم دارای اهمیت زیاد و هم عملکرد بالا ارزیابی شده‌اند. مؤلفه‌هایی نظیر «خوداتکایی در فناوری‌های راهبردی» (C1)، «فرهنگ ایشار و مسئولیت‌پذیری» (C3) و «شبکه‌های همیاری مردمی» (C4) در این دسته قرار گرفته‌اند. رتبه بالای این مؤلفه‌ها در هر دو بُعد، گواه آن است که از منظر خبرگان، این ظرفیت‌های درون‌زا شناسایی شده و عملکرد موفقی در میدان عمل داشته است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که این مؤلفه‌ها پایه‌های مستحکم فعلی تاب‌آوری کشور را تشکیل می‌دهند.

(پ) ربع سوم: اولویت پایین (اهمیت نسبی پایین / عملکرد نیازمند ارتقا)
این ناحیه، نمایانگر حوزه‌هایی است که عملکرد آن‌ها ضعیف ارزیابی شده، اما از دیدگاه خبرگان، اهمیت راهبردی کمتری نسبت به سایر مؤلفه‌ها دارد. قرارگرفتن مؤلفه‌هایی مانند «انعطاف‌پذیری زیرساخت‌های حیاتی» (B3) و «شبکه‌های یادگیری و مستندسازی» (B4) در این ناحیه، نشان‌دهنده آن است که از منظر خبرگان، این حوزه‌ها در شرایط کنونی در اولویت تمرکز قرار ندارند. این یافته، حوزه‌هایی را مشخص می‌کند که اگرچه نیازمند بهبود هستند، اما در مقایسه با مؤلفه‌های ربع اول، فوریت کمتری دارند.

ت) ربع چهارم: ذخایر راهبردی و ظرفیت‌های توانمندساز (اهمیت نسبی کم / عملکرد بالا) این ناحیه، معرف ظرفیت‌های کارآمدی است که اگرچه در کانون توجهات راهبردی فعلی قرار ندارند، اما عملکرد مطلوبی دارند. مؤلفه‌هایی نظیر «ظرفیت نوآوری و انطباق فناورانه» (B2) و «کارآمدی در عرضه خدمات» (D3) در این دسته جای می‌گیرند. عملکرد مطلوب این مؤلفه‌ها نشان‌دهنده وجود زیرساخت‌های کارآمد و بلوغ نهادی در بخش‌های مربوط است. موقعیت این مؤلفه‌ها در ماتریس نشان می‌دهد که منابع به‌خوبی در این حوزه‌ها به‌کار گرفته شده‌اند، هرچند اهمیت آن‌ها در مقایسه با سایر مؤلفه‌ها کمتر ارزیابی شده است.

۴. نتیجه‌گیری

این پژوهش در پاسخ به خلأ موجود در زمینه چارچوب عملیاتی و بومی برای ارتقای تاب‌آوری اجتماعی ایران انجام شد. دستاورد اصلی و دانش بدیع حاصل از این تحقیق، سازوکاری جامع است که از دو سطح مکمل تشکیل می‌شود: سطح نخست، شناسایی و تثبیت بنیان‌های مستحکم تاب‌آوری کشور (دارایی‌های سخت‌افزاری و بومی)؛ و سطح دوم، ترسیم نقشه راهی هوشمند برای جهش راهبردی از طریق تقویت ابعاد نرم‌افزاری حکمرانی (مانند عدالت و مشارکت). برخلاف مطالعات پیشین که بیشتر توصیفی بود، این پژوهش ابزار تشخیصی-راهبردی (ماتریس اهمیت-عملکرد) است که به سیاستگذاران اجازه می‌دهد منابع را به‌طور بهینه به‌سمت حوزه‌های دارای اولویت هدایت کنند.

یافته‌های کلیدی این پژوهش، معماری دو سطحی و مکمل تاب‌آوری اجتماعی ایران را آشکار می‌سازد که درک آن برای سیاستگذاری آینده حیاتی است:

سطح نخست، بنیان‌های مستحکم و دارایی‌های تثبیت‌شده (سخت‌افزار تاب‌آوری). یافته‌ها مؤید آن است که تاب‌آوری اجتماعی ایران بر بنیان‌های مستحکمی استوار است که در مدل مفهومی پژوهش از آن‌ها با عنوان «دارایی‌های راهبردی بومی» یاد می‌شود. کشور در ابعاد کلیدی همچون «خوداتکایی در فناوری‌های راهبردی» (رتبه ۱ عملکرد)، «فرهنگ ایثار و مسئولیت‌پذیری» (رتبه ۲ عملکرد) و «شبکه‌های همیاری مردمی» (رتبه ۳ عملکرد) به سطحی ممتاز از بلوغ و کارآمدی دست یافته است. این مؤلفه‌ها ستون فقرات و خط مقدم دفاعی کشور در خنثی‌سازی تکلنه‌های خارجی محسوب می‌شوند و محصول سرمایه‌گذاری‌های موفق گذشته در مسیر استقلال کارکردی هستند.

سطح دوم، افق‌های نوین و اهرم‌های جهش راهبردی (نرم‌افزار حکمرانی). در کنار این بنیان‌های قدرتمند، پژوهش حاضر افق‌های جدیدی را برای ارتقای تاب‌آوری به سطوح بالاتر شناسایی می‌کند. مؤلفه‌هایی که کیفیت تعامل دولت و ملت را تشکیل می‌دهند (مانند ادراک از عدالت توزیعی، ظرفیت مشارکت‌دهی مردم‌محور و شفافیت و پاسخگویی)، از سوی خبرگان مهم‌ترین اولویت‌های راهبردی کشور شناخته شده است. عملکرد پایین‌تر این مؤلفه‌ها در مقایسه با اهمیت زیاد آن‌ها، نشان‌دهنده شکاف راهبردی و درعین حال فرصتی بی‌نظیر برای جهش کیفی به‌منظور بهینه‌سازی و تکامل سازوکار تاب‌آوری است.

بر اساس تفکیک صورت‌گرفته میان بنیان‌های موجود و فرصت‌های پیش‌رو، نتیجه‌گیری نهایی این پژوهش آن است که گام بعدی در مسیر تکاملی تاب‌آوری اجتماعی ایران، نه چالشی زیرساختی، بلکه فرصتی راهبردی برای تعمیق و هوشمندسازی سازوکارهای حکمرانی است. با ایجاد هم‌افزایی میان «سخت‌افزار» تثبیت‌شده و «نرم‌افزار» اولویت‌دار، می‌توان ظرفیت‌های نهفته سرمایه اجتماعی را به‌طور کامل فعال و تهدیدها را به فرصتی برای تقویت انسجام ملی تبدیل کرد. بر این اساس، توصیه‌های سیاستی زیر مطرح می‌شود.

بر اساس این یافته‌ها، توصیه‌های راهبردی زیر برای سیاستگذاری در حوزه ارتقای تاب‌آوری اجتماعی طرح می‌شود:

- سرمایه‌گذاری راهبردی بر ارتقای کیفیت حکمرانی. با توجه به فوریت تهدیدها و اهمیت زیاد مؤلفه‌های شناسایی‌شده در ربع اول ماتریس اهمیت-عملکرد، پیشنهاد می‌شود در بازه زمانی ۱ تا ۳ ساله، منابع و توجه سیاستی بر اقدام‌هایی نظیر استقرار نظام‌های شفافیت هوشمند، بازطراحی فرایندهای توزیع منابع با هدف تقویت عدالت ادراک‌شده، و توسعه پلتفرم‌های مشارکت اثربخش شهروندان متمرکز شود. این اقدام‌ها باید پیشران‌های اصلی سرمایه‌گذاری تعریف شوند.
- ایجاد هم‌افزایی میان دارایی‌های راهبردی. باید از ظرفیت‌های تثبیت‌شده برای شتاب‌دهی به رشد در حوزه‌های اولویت‌دار استفاده کرد. به‌طور مثال، می‌توان از ظرفیت عظیم «شبکه‌های همیاری مردمی» و «فرهنگ ایثار» برای پیاده‌سازی طرح‌های عدالت‌محور و اعتمادساز بهره‌برداری کرد. این رویکرد، ضمن تقویت و تعمیق سرمایه اجتماعی نهادی، به تحقق اهداف با هزینه و زمان کمتر یاری می‌رساند.

در انتها باید به این نکته اشاره کرد که این پژوهش نیز مانند هر تحقیق علمی دیگری با محدودیت‌هایی روبه‌روست که ذکر آن‌ها به درک بهتر نتایج کمک می‌کند:

- سطح تحلیل کلان. تمرکز این مقاله بر سطح ملی کلان است و ایران واحد تحلیل در نظر گرفته شد. این رویکرد «کل‌گرا» در سیاستگذاری راهبردی مفید است، اما از تفاوت‌های منطقه‌ای، قومیتی و طبقاتی در میزان تاب‌آوری اجتماعی صرف‌نظر می‌شود. از این رو، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی با خردکردن واحد تحلیل، تاب‌آوری اجتماعی در سطوح میانه (استان‌ها و مناطق) و خرد (جوامع محلی، گروه‌های قومی و طبقات اجتماعی) بررسی شود.
- ماهیت ادراک محور روش‌شناسی. روش‌های به‌کاررفته در این پژوهش، یعنی روش دلفی و تحلیل اهمیت-عملکرد، ذاتاً خبره‌محور است و بر قضاوت و نظر تخصصی گروه خبرگان اتکا دارد. اگرچه این رویکرد برای تحلیل موضوع‌های پیچیده و راهبردی و فاقد داده‌های کمی صریح بسیار کارآمد است، یافته‌های حاصل از آن ممکن است تحت تأثیر ذهنیت و تجارب خاص اعضای گروه قرار گیرد. این امر، مسئله عینیت مطلق و قابلیت تکرارپذیری نتایج را با چالش مواجه می‌سازد. با این حال، استفاده از دیدگاه نخبگان در تحلیل مسائل راهبردی، رویکردی پذیرفته‌شده در مطالعات اجتماعی و روابط بین‌الملل است (به‌طور نمونه، شکوهی و قاسمی، ۱۴۰۳)؛ اما، نتایج آن باید ارزیابی راهبردی و نه حقیقت آماری قطعی در نظر گرفته شود.
- فقدان شاخص‌های آماری کمی. در این پژوهش برای ارزیابی وضعیت موجود از شاخص‌های آماری عینی (مانند درصد مشارکت و ضریب جینی) استفاده نشده است. این انتخاب، به دلیل محدودیت‌های روش‌شناختی موجود در روش‌های دلفی و تحلیل اهمیت-عملکرد بوده است. در تحقیقات آینده می‌توان با تلفیق یافته‌های این پژوهش با داده‌های آماری، تصویری جامع‌تر و چندوجهی از وضعیت تاب‌آوری ارائه داد.

بر اساس محدودیت‌های بیان شده، برای تعمیق و تکمیل یافته‌های این پژوهش، در تحقیقات آتی می‌توان بر محورهای زیر متمرکز شد:

- تحقیقات ترکیبی. برای تکمیل یافته‌های این پژوهش، در تحقیقات آتی می‌توان با تلفیق مدل مفهومی مطرح با مدل‌های شبیه‌سازی و اقتصادسنجی، به ارزیابی کمی آثار سیاست‌های مختلف بر تاب‌آوری پرداخت؛ رویکردی که مکمل تحلیل کیفی حاضر خواهد بود (به‌طور نمونه، سیاره و همکاران، ۱۴۰۴).
- مطالعات موردی. اجرای این مدل پژوهشی در سطوح تحلیل خرد و میانه (به‌طور مثال، بررسی تاب‌آوری اجتماعی استانی مرزی یا کلان‌شهری خاص) تا تفاوت‌های منطقه‌ای و زمینه‌ای آشکار می‌کند.
- شناسایی و تقویت سازوکارهای تحقق عدالت و مشارکت. اجماع زیاد خبرگان بر اهمیت مؤلفه‌هایی چون «ادراک از عدالت توزیعی»، «ظرفیت مشارکت‌دهی مردم‌محور» و «شفافیت و پاسخگویی»، سرمایه و فرصتی بزرگ برای کشور محسوب می‌شود. از این‌رو، در پژوهش‌های آتی می‌توان بر طراحی مدل‌های نوآورانه حکمرانی متمرکز شد تا این ارزش‌های محوری به شکلی کارآمدتر عملیاتی شود و از این طریق، «مصونیت نظام‌مند» کشور را در برابر عملیات شناختی و روانی دشمن به سطحی بالاتر ارتقا داد.

طراحی مدل‌های عملیاتی برای هم‌افزایی دارایی‌های راهبردی. مؤلفه‌های اهمیت زیاد و درعین‌حال ظرفیت، در ارتقای عملکرد در خور توجه هستند. در واقع، اهرم‌هایی برای جهش در تاب‌آوری اجتماعی محسوب می‌شوند. در تحقیقات آینده می‌توان از مرحله توصیف فراتر رفت و به تجویز و طراحی پرداخت. به‌طور مشخص، می‌توان با طراحی و اجرای طرح‌های آزمایشی، نحوه هم‌افزایی میان دارایی‌های اجتماعی (مانند شبکه‌های همیاری مردمی) و ظرفیت‌های نهادی (مانند کارآمدی در عرضه خدمات) را به‌منظور دستیابی به «استقلال کارکردی» و پایداری خدمات در شرایط بحران، مدل‌سازی و ارزیابی کرد. این رویکرد، فرایند تبدیل چالش‌ها به تقویت پایدار ساختارهای ملی را تسریع خواهد کرد.

تعارض منافع

این مقاله مشمول هیچ گونه تعارض منافع نیست.

مشارکت نویسندگان

نویسندگان در تألیف این مقاله مشارکت یکسان داشته‌اند.

اصول اخلاقی

نویسندگان در انتشار این مقاله، به‌طور کامل از اخلاق نشر، از جمله سرقت ادبی، سوءرفتار، جعل داده‌ها یا ارسال و انتشار دوگانه پرهیز داشته‌اند؛ منفعت تجاری در این راستا وجود ندارد. این مقاله حاصل تحقیقات خود نویسندگان است و اصالت محتوای آن را اعلام داشته‌اند. تألیف این مقاله به هوش مصنوعی داده نشده است.

این مقاله مستخرج از رساله دکتري رضا احمدی در دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق^(ع) است با عنوان «الگوی ارتقای سیاست‌های رفاهی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر راهبرد مقاومت» با راهنمایی دکتر اصغر افتخاری و مشاوره دکتر حمید هوشنگی و دکتر کمیل قیدرلو.

دست‌رسی به داده‌ها

داده‌های خام مورد استفاده در این پژوهش (شامل پاسخ‌های دوره‌های دلفی و پرسشنامه‌های تحلیل اهمیت-عملکرد) به‌دلیل حفظ اصل محرمانگی هویت خبرگان شرکت‌کننده، منتشر نشده است. در صورت نیاز به اطلاعات بیشتر درخصوص نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مقاله، با نویسنده مسئول مکاتبه فرمایید.

قدردانی

نویسندگان مراتب تشکر و قدردانی خود را از دانشگاه امام صادق^(ع) اعلام می‌دارند.

منابع

- قاضی‌زاده ع. (۱۴۰۰). *مبانی/امنیت ملی*. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- قلی‌پور ح، رازینی ر. (۱۳۹۵). «تحلیل مؤلفه‌های خط‌مشی تحول علوم انسانی با استفاده از رویکرد تحلیل اهمیت-عملکرد». *مطالعات راهبردی بسیج*. ۱۹(۷۰): ۴۱-۷۰.
- https://bsrq.cuir.ac.ir/article_80428.html
- کردمیرزانی‌کوزاده ع. (۱۳۹۲). *تاب‌آوری: مفاهیم - نظریه‌ها، مدل‌ها- کاربردها به انضمام پروتکل درمان مبتنی بر تاب‌آوری*. تهران: نشر آبز.

- کولیوند خ، ستاری خواه ع، سپهری م. (۱۴۰۲). «سناریوهای فراروی جنگ ترکیبی اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۷». *علوم و فنون نظامی*. ۱۹(۶۶): ۱۸۹-۲۱۸.
<https://doi.org/10.22034/qjmst.2024.1986908.1831>
- سیاره م، دهقان شبانی ز، اسلاملوئیان ک، کیانی مقدم م. (زیر چاپ). «آثار رفاهی عضویت ایران در بریکس: رهیافت شبیه‌سازی جهانی (GSIM)». *مطالعات کشورها*: ۱-۴۳.
<https://doi.org/10.22059/jcountst.2025.398695.1319>
- شکوهی س، قاسمی ح. (۱۴۰۳). «تأثیر جنگ ۲۰۲۲م اوکراین بر روابط ایران و روسیه؛ مطالعه موردی: دیدگاه نخبگان ایرانی». *مطالعات کشورها*. ۲(۱): ۶۵-۸۹.
<https://doi.org/10.22059/jcountst.2023.366163.1068>
- Alscher P, Graf E, McElvany N. (2025). "Political participation and the Civic Voluntarism Model: How do resources, psychological engagement, and recruitment shape willingness to participate during adolescence?". *Journal of Experimental Psychology: General*. <https://doi.org/10.1037/xge0001766>.
- Apostol AC, Cristache N, Năstase M. (2022). "Societal resilience, a key factor in combating hybrid threats". In *International Conference Knowledge-Based Organization*. XXVIII(2): 107-115. https://doi.org/10.2478/kbo-2022-0057?urlappend=%3Futm_source%3Dresearchgate.
- Azzopardi E, Nash R. (2013). "A critical evaluation of importance-performance analysis". *Tourism Management*. 35: 222-233. <https://doi.org/10.1016/j.tourman.2012.07.007>.
- Cinalli M. (2023). "Policy networks". In *Elgar Encyclopedia of Political Sociology*. Edward Elgar Publishing.
- Côté R, McDonald S, Shen J. (2024). "Introduction: Connecting social capital with studies of social inequality". In *Handbook on Inequality and Social Capital* (pp. 1-8). Edward Elgar Publishing.
- Eslami M. (2025). "Israel tried to break Iran – but it may have actually helped unite it". *Al Jazeera Media Network*. <https://www.aljazeera.com/opinions/2025/6/18/israel-tried-to-break-iran-but-it-may-have-actually-helped-unite-it>. (Accessed on: September 20, 2025)
- Eskildsen JK, Kristensen K. (2006). "Enhancing importance-performance analysis". *International Journal of Productivity and Performance Management*. 55(1): 40-60. <https://doi.org/10.1108/17410400610635499>.
- Gholipour H, Razini R. (2016). "Analysis of the components of the humanities development policy using the importance-performance analysis approach". *Basij Strategic Studies Quarterly*. 19(70): 41-70. https://bsrq.cuir.ac.ir/article_80428.html. [in Persian]
- Hannah A, Brown JT, Gibbons A. (2020). "Welfare capabilities: Evaluating distributional inequalities and welfare policy in advanced democracies". *Journal of European Social Policy*. 30(3): 293-305. <https://doi.org/10.1177/0958928719868447>.
- Hobden C, Piper L. (2023). "Citizenship". In *Elgar Encyclopedia of Political Sociology*. Edward Elgar Publishing.
- Huang G, Jia W, Yu W. (2024). "Media literacy interventions improve resilience to misinformation: a meta-analytic investigation of overall effect and moderating factors". In *the 74th Annual Conference of the International Communication Association*. <https://scholars.hkbu.edu.hk/en/publications/media-literacy-interventions-improve-resilience-to-misinformation>.
- Kennedy AB. (2023). "The resilience requirement: Responding to China's rise as a technology power". *Survival*. 65(1): 115-128. <https://doi.org/10.1080/00396338.2023.2172858>.
- Kord-mirza-Nikouzadeh E. (2013). *Resilience: Concepts, Theories, Models, and Applications, including a Resilience-based Treatment Protocol*. Tehran: Abjeh

- Publications. [in Persian]
- Kouhpayeh F. (2025). "How global citizens challenge the official story on Israeli strikes in Iran". *The Tehran Times*. <https://www.tehrantimes.com/news/514952/How-global-citizens-challenge-the-official-story-on-Israeli-strikes>. (Accessed on: September 20, 2025)
- Koulivand K, Satarikhah A, Sepehri M. (2024). "Scenarios for the Hybrid war of Israel against the Islamic Republic of Iran in the horizon of 2029". *Military Science and Tactics*. 19(66): 189-218. <https://doi.org/10.22034/qjmst.2024.1986908.1831>. [in Persian]
- Lahusen C. (2023). "Solidarity". In *Elgar Encyclopedia of Political Sociology*. Edward Elgar Publishing.
- Mârzac E. (2024). "Strategic communication as a tool for countering hybrid threats. A Focus on national resilience and public trust". *Studia Securitatis*. 18(2): 55-67. <https://doi.org/10.1080/13183222.2018.1418964>.
- Moya J, Goenechea M. (2022). "An approach to the unified conceptualization, definition, and characterization of social resilience". *International Journal of Environmental Research and Public Health*. 19(9): 5746. <https://doi.org/10.3390/ijerph19095746>.
- Oktaviany M, Situmorang MTN, Lansiwi MA, Gymnastiar IA, Saleh F. (2024). "The role of social capital in disaster resilience a comparative study of urban and rural areas". *Indonesian Journal of Studies on Humanities, Social Sciences and Education*. 1(2): 77-92. <https://doi.org/10.54783/qd0cjc65>.
- Oliver RL. (2010). *Satisfaction: A Behavioral Perspective on the Consumer: A Behavioral Perspective on the Consumer*. Routledge.
- Ossevorth F, Seidel P, Krahmer S, Seifert J, Schegner P, Lochmann P, ... Mauermann M. (2022). "Resilience in supply systems-What the food industry can learn from energy sector". *Journal of Safety Science and Resilience*. 3(1): 39-47. <https://doi.org/10.1016/j.jnlssr.2021.10.001>.
- Owen D. (2023). "Political learning". In *Elgar Encyclopedia of Political Sociology*. Edward Elgar Publishing.
- Phadermrod B, Crowder RM, Wills GB. (2019). "Importance-performance analysis based SWOT analysis". *International Journal of Information Management*. 44: 194-203. <https://doi.org/10.1016/j.ijinfomgt.2016.03.009>.
- Portes A. (2024). "Social capital: Its origins and applications in modern sociology". *Annual Review of Sociology*. 24: 1-24. <https://doi.org/10.1146/annurev.soc.24.1.1>.
- Qazizadeh A. (2021). *Fundamentals of National Security*. Tehran: Abrar Moaser Tehran International Institute for Cultural Studies and Research. [in Persian]
- Ramadan E, Abdalla S, Al Mamari W, Al Hosani N. (2025). "Building resilient communities: The impact of social capital on disaster recovery in Oman". *Community Development*. 1-21. <https://doi.org/10.1080/15575330.2025.2525803>.
- Rollason E. (2025). "Building a resilient society". *Natural Hazards*. 121: 18573-18600. <https://doi.org/10.1007/s11069-025-07529-0>.
- Sayyareh M, Dehghan Shabani Z, Eslamlooyan K, Kiani Moghadam M. (in Press). "The welfare effects of Iran's membership in BRICS: A global simulation approach (GSIM)". *Journal of Countries Studies*. 1-43. <https://doi.org/10.22059/jcountst.2025.398695.1319>. [in Persian]
- Shokouhi S, Ghasemi H. (2024). "The impact of the 2022 Ukraine war on Iran-Russia relations; A case study: The viewpoint of Iranian elites". *Journal of Countries Studies*. 2(1): 65-89. <https://doi.org/10.22059/jcountst.2023.366163.1068>. [in Persian]
- Sobhaninia S. (2024). "The social cohesion measures contributing to resilient disaster recovery: A systematic literature review". *Journal of Planning Literature*. 39(4): 519-534. <https://doi.org/10.1177/08854122241238196>.
- Strømsnes K. (2023). "Civic engagement". In *Elgar Encyclopedia of Political Sociology*. Edward Elgar Publishing.

- Sutiyoso BU, Faedlulloh D. (2024). "Navigating social capital development through organisational citizenship behaviour in local government bureaucracy". *Cogent Social Sciences*. 10(1): 2386708. <https://doi.org/10.1080/23311886.2024.2386708>.
- Wierzchowska A. (2018). "The European Union in search of systemic balance. An analysis involving the concept of resilience". *European Studies Quarterly*. 2017(4): 10-38. <https://doi.org/10.31338/1641-2478pe.4.17.1>.
- Windle G. (2011). "What is resilience? A review and concept analysis". *Reviews in Clinical Gerontology*. 21(2): 152-169. <https://doi.org/10.1017/S0959259810000420>.